

“هسته‌های مقاومت کارگری” به روایت بهشتی و شرکا

الف - شعبان

خود را ارزیابی کرده و سپس به سازماندهی آنها بپردازند. (جمهوری اسلامی ۱۳ شهریور مقاله‌ی “دومین جلسه برای به روزآوردن هسته‌های مقاومت کارگری”)

“... تسلیحات ارتش باید از حالت تجمع خارج شود و در مراکز اصلی همچون مساجد و انجمنه‌های اسلامی و... پخش گردد...” (همانجا - تاکید از ماست)

“... قرار است بسیج کارخانجات زیر نظر سپاه پاسداران و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی انجام بشود و همچنین بتوانیم از دانشکده‌ی افسری استفاده کنیم. (جمهوری اسلامی ۲۰ شهریور “جلسه‌ی سوم تشکیل...”)

و بالاخره

“... حقیقت این است که باید باین سمت برویم که در رابطه با سپاه شکل بگیریم...” (دکتر بهشتی در “جلسه‌ی سوم...”)

روشن است که هدف از تشکیل این “هسته‌های مقاومت” تقویت قدرت نظامی “حزب” است. به اعتراف ضمنی مقاله‌ی یادشده، “حزب” نمیتواند امید فراوانی به کارآیی کمیته‌ها و سپاه پاسداران داشته باشد. این دسته‌های اوپاش مسلح در بیش از یک مورد نشان دادند که اگر چه در برهم زدن بساط دست فروشان کنار خیابان “مهارت” دارند، اما در مواردی چون درهم شکستن حرکات اعتراضی کارگران چندان موفق نیستند. و علاوه چنین بنظر میرسد که آن چند نفری هم که در “ارشد” بیست میلیونی “متشکل شده‌اند” در چنبر رقابتهای بین آخوندی از قبضه‌ی حزب خارج شده‌اند.

پس چه بهتر از مسلح کردن گروهها

بتهیه در صفحه ۱۴

ویژگیهای این “هسته‌ها” و چگونگی تشکیل آنها گفته‌اند اهداف واقعی آنها را آشکار میکند. آقایان

مهرجانی

“... کارگران کشور در کارخانجات بواسطه‌ی تمرکز و... آشنای مستواستند برای تربیت رزمندگان مسلح در مقابل امپریالیسم بین المللی فضای مناسبی ایجاد نمایند...” (جمهوری اسلامی ۶ شهریور - سر مقاله)

و

“... تشکیل گروههای رزمی در کارخانجات کشور و مسلح نمودن در پیوند با روحانیت مبارز و بسیج سپاه پاسداران...” (همانجا)

“... کسب نیروهای متعهد چهار روحانیت مترقی و چه سپاه پاسداران میتواند زمینه‌ساز ذهنی لازم برای پذیرش سلاح سه وسیله‌ی، توده‌های کارکنان را فراهم آورد...” (همانجا)

“... در این صورت قسمتی از وقت نیروهای انقلابی کشور صرف فراگیری فنون رزمی میشود که دولت و وزارت کار بایستی نسبت به مسائل مالی آن صورت لزوم رسیدگی کنند...” (همانجا)

“... مسأله‌ی مالی فوق بواسطه‌ی کمیوندهای مالی اکثر کارگران، اگر لازم باشد باید مورد رسیدگی قرار گیرد...” (همانجا)

“... اعضای انجمنه‌های اسلامی کارخانجات باید نیروهای

جندی است که “رهبران” شعار “مردم را مسلح کنید” سر داده‌اند! در خطبه‌های نماز جمعه و برنامه‌های رادیو سخن از “ضرب و ترحیم مردم” می‌رود که گویا “طبق اصل ۱۵۱ قانون اساسی” درست باشد. تسهیلات لازم برای آتش فراهم کند. “تئوریستین کارگری” حزب جمهوری اسلامی در سرمقاله‌ی مفصلی این شعار را به طرح تبدیل میکنند، خواستار بردن “بسیج بیست میلیونی به کارخانه‌ها” میشود، و به تفصیل درباره‌ی ضرورت “تشکیل اختیاری یا اجباری واحدهای نظامی کوچک - کارخانه‌های کشور ما سخن میرانند (جمهوری اسلامی ۶ شهریور - تاکید از ماست).

براستی چه شده است؟ مگر اینها همان “رهبران” نیستند که در روزهای قبل از قیام بهمن ۵۷ شعار “مارا مسلح کنید” مردم را با “حالا وقتش نیست” (رفسنجانی) پاسخ میدادند؟ و مگر اینها همانهایی نیستند که حمله به یادگانه‌های ارتش شاهنشاهی و بدست آوردن سلاح توسط مردم را “فعل حرام” و “مخالفاً امر امام” میدانستند؟ پس چرا امروز، یکسال و نیم پس از رسیدن بقدرت، و زمانیکه، طبق ادعای خودشان، همه‌ی ارگانهای دولتی‌شان را مستقر کرده‌اند، خود را نیازمند گسترش “ارتش بیست میلیونی” (فعلاً نا مرئی!) و تشکیل “اجباری” هسته‌های مسلح کارگری می‌بینند؟

نویسنده‌ی سرمقاله‌ی فوق الذکر پاسخ میدهد که علت عبارت است از، تلاش مداوم آمریکا برای جلوگیری از شایات حکومت آنتروناسیونالیستی ایران... و مقابله با انقلاب جهانی... به پرچمداری انقلاب اسلامی و بتمام معنی ضدا امپریالیستی ایران!! نظیر همین ادعاها را در هنگام تشکیل سپاه پاسداران شنیدیم. اینبار نیز تگاهی به لابلای آنچه که آقایان دربارهای

بجای تسلیح " انجمنهای اسلامی " زیر نظر ملاحها و مزدوران کمیته‌چی و پاسدار، باید کارگران زیر نظر شوراهای منتخب خود مسلح شوند تا از خود و منافع طبقاتی خود در مقابل ارتش، پاسداران، کمیته‌ها و بقیه عوامل هیات حاکمه سرمایه‌دار دفاع کنند. دفاع از این بیان جناح هیات حاکمه نه "خلاق" است و نه "انقلابی"، تنها کار انقلابی مبارزه برعلیه سرمایه‌داری و دولت آن است، مبارزه برای تدارک انقلاب سوسیالیست.



کارگری طرفدار رژیم آخوندها در درون کارخانه‌ها، هرچاهم که چنین داوطلبانی نباشند، میشود این هسته‌ها را "اجارا" و یا باجبران "کمبودهای مالی اکثر کارگران" یعنی از طریق ارباب‌بیا خریدن کارگران محروم ناآگاه، تشکیل داد. این کارگران بعداً زیر دست "روحانیت متعهد و مترقی" سپاه پاسداران و مجاهدین انقلاب اسلامی "آموزش سیاسی" می‌بینند تا "بیابادهای ناگوار مسلح کودکان" به گفته نویسنده "سهمفاله موفق‌اندکوه" بمداخل برسد!

و باز چه بهتر از این که از طریق بخت کردن احمدهای ارتش در میان این گروهها میتوان بازمانده‌های ارتش شاهنشاهی، فعلاً بنی‌مدری، راجیش از پیش مصدق کرد! اما "حزب" قصد دارد با این ابزار چه کند؟ آقای بهشتی در "جلسه سوم..." میگوید هدف این هسته‌ها "ترساندن دشمن" است، "نه تنهادهشمنانی که شما نسبت به وجودشان آگاهی دارید، بلکه دشمنانی که شما تمییدانیده‌وجود دارند و تنهادهها نسبت بوجود آنها آگاه است." پس آذکوار اینک این هسته‌ها "عنداللزوم میتواند به هسته‌های حمله هم تبدیل شوند"، آقای بهشتی یکی از "دشمنان" را مشخص میکند:

"باید بدانند که در بسیاری از جاها که آتم می‌رود میشوند که گروهکها در برخی از نقاط کشور یک چنین تدارکاتی فراهم دیده‌اند. البته باید بگویم این خیلی زیاد نیست و خیلی محدود است (۱) ولی دوتا کار باید کرد:

اولا باید صریحاً جلوی آنها را گرفت، و ثانیا باید متقابلاً برای کارخلاق که در خط انقلاب باشد آماده شد." (تاکیدها از ماست)

دستگیری، شکنجه و اعدام کارگران و روشنفکران انقلابی و سرکوب طبقه‌های ایران ظرف یکسال و نیم عمر حکومت جمهوری اسلامی معنای "جلوگیری صریح" را کاملاً روشن کرده است. البته اگر رژیم شاه با ارتش، پلیس، ساواک و دفاتر حفاظت ارتش در این "جلوگیری صریح" موفق بود، آقای بهشتی و شرکا و هسته‌های مقاومتشان هم موفق خواهند شد.

می‌ماند مسئله "کارخلاق در خط انقلاب" - حزب جمهوری اسلامی اخیراً نمایش پررنگ و صدادار حول مخالفت با لفو قانون سود ویژه برپا کرد، علیرغم موافقت ووسای حزب بیان در "شورای انقلاب"، و ابتکار لفو قانون را به جناح بنی‌مدر نسبت داد، طبیعی است که قصد حزب بهره‌برداری از این جناح تبلیغاتی را داشته باشد، و دور از ذهن نیست که بخواهد در صورت بالا گرفتن اختلالات میان جناحی هیات حاکمه این هسته‌های مسلح را بطور "خلاق و درخشان انقلابی" (۱) در این دعوا شرکت دهد.

با این لحاظ کارگران مبارز باید همه جا ماهیت حزب جمهوری، عوامل آن در کارخانه‌ها و توطئه‌های آن‌ها را برسد منافع طبقه کارگر افشاء کنند و با تمام قوا از تشکیل گروههای مسلح باقیمت در کارخانه‌ها جلوگیری کنند.